



مطالعات جدید وزبان‌شناسی تاریخی



محمدحسن احمدی

هیئت علمی

دانشگاه تهران

مطالعات جدید وزن‌شناسی تاریخی



محمد حسن احمدی

هیئت علمی دانشگاه تهران

سرشناسه :	احمدی، محمد حسن، ۱۳۵۷
عنوان و نام پدیدآور:	مطالعات حدیثی و زبان شناسی تاریخی / محمد حسن احمدی.
مشخصات نشر :	قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری :	۴۶۴ ص.
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۳۰-۰
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
یادداشت :	ص.ع. به انگلیسی: Mohammad Hassan Ahmadi. Hadith studies and historical philology
یادداشت :	کتابنامه
موضوع :	حدیث
موضوع :	Hadith
موضوع :	حدیث - روش شناسی
موضوع :	Hadith -- Methodology
موضوع :	زبان شناسی تاریخی
موضوع :	Historical linguistics
شناسه افزوده :	دانشگاه قم
رده بندی کنگره :	۱۱۲/۸/۳ ۶۳ ۱۳۹۷ BP
رده بندی دیویی :	۲۶/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی :	۵۲۵۷۵۴۵



مطالعات حدیثی و زبان شناسی تاریخی محمد حسن احمدی

ناشر: انتشارات دانشگاه قم

ناظر چاپ: علیرضا معظمی

طراحی جلد: استاد نجابتی- چمن خواه

سال چاپ: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بهاء: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۶-۳۰-۰

مراکز پخش:

۱- انتشارات دانشگاه قم: قم، بلوار الغدیر، دانشگاه قم، کتابخانه مرکزی، اداره چاپ و نشر، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۰۳۳۴۴

۲- کتاب شهر: قم، چهارراه شهدا، پلاک ۵۷۸، فروشگاه کتاب شهر، تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۰۱۵ / ۰۹۱۲۷۴۶۸۵۷۹

۳- پردیس فارابی دانشگاه تهران: قم، جاده قدیم تهران، فروشگاه کتاب، تلفن: ۰۲۵-۳۶۱۶۶۳۰۷

۴- بوستان کتاب: قم، چهارراه شهدا، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۴۴۲۶

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ
فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا
هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ



جای خالی دو افق و چشم انداز مهم، در میان انبوه رسالت های حوزه های علمیه، احساس می شود:

اول، لزوم اتخاذ رویکرد علمی در کنار ترویجی در عرصه بین الملل.
و دوم، لزوم توجه به رویکرد تاریخی نگری به متون دینی.

در این میان، آیت الله العظمی بروجردی (ره) را نقطه عزیمت این دو ضرورت می دانم.

به پیشگاهش درود می فرستم...

و این اثر را به روح بزرگوارش تقدیم می کنم.



مقدمه ناشر



فضای علمی کشور، به برکت جمهوری اسلامی ایران و مخصوصاً در دهه اخیر و به دنبال طرح لزوم تحول در علوم انسانی از سوی مقام معظم رهبری، مشحون از تلاش برای ارتقاء و توسعه علوم اسلامی انسانی است. انتشارات دانشگاه قم، مفتخر به حضور در شهر کریمه اهل بیت علیهم السلام و هم‌جواری با حوزه علمیه قم، امید دارد که بتواند بخشی از این رسالت را انجام دهد. کتاب پیش‌رو، با عنوان «**مطالعات حدیثی و زبان‌شناسی تاریخی**»، اثر فاضل ارجمند حوزه، جناب آقای دکتر محمد حسن احمدی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران، با درک عمیق نسبت به لزوم رویکرد روش‌مند تاریخی به متون دینی، مشتاقانه و مسئولانه، به فضای نظریه‌پردازی حوزه علوم اسلامی و الهیات تاریخی، قدم می‌گذارد. اثر پیشین ایشان از همین انتشارات، موفق به کسب افتخار در «جشنواره پژوهش مرکز اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» و هم‌چنین «جشنواره کتاب سال حوزه علمیه قم» شده بود. کتاب حاضر، اثری ارزشمند در نوع خود و در عین حال، مشحون از نوآوری، خلاقیت و تحلیل‌های علمی سودمند، است و می‌تواند به عنوان یک متن درسی با مخاطبان خود در مقاطع ارشد و دکتری حوزه دانش‌های حدیثی و قرآنی، زبان‌شناسی و تاریخی ارتباط برقرار کند. در واقع بخش مهمی از درک حاصل از محتوای کتاب، منوط به ارتباط و علقه‌ی قبلی مخاطب با این نوع مباحث است که نویسنده محترم، آن‌ها را مفروغ‌عنه گرفته است. دغدغه لزوم تحول در متون رسمی ناظر به این حوزه - چه در رویکرد بومی و چه خاورشناسی - در سرتاسر اثر مشهود است. لازم است تا از استاد محترم **حجه الاسلام و المسلمین** دکتر سیدرضا مودب، مدیرگروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم و حجه الاسلام و المسلمین دکتر محمدتقی دیاری بیدگلی که با دقت و حوصله، مطالب کتاب را پیش از انتشار مورد بررسی قرار دادند؛ تشکر شود. انتشارات دانشگاه قم ضمن تشکر از نویسنده ارجمند، این اثر را تقدیم محضر اهل اندیشه می‌کند.

و لله الحمد

انتشارات دانشگاه قم

چکیده



مهمترین مشکل استدلال های تاریخی، کم توجهی به روش های درست است. این کتاب، به دنبال تقاسیم اصولی است که استخدام آن ها در تحلیل تاریخ حدیث یا متون حدیثی، نافع باشد. بر اساس فرآیند ساختار نقل حدیثی، حدیث بسیار روشمندتر از هر ساختار قابل تصور دیگری است. این ساختار می تواند در ضمن سه شاخصه دیده شود: کتاب با ماهیت عام استغراقی، واسطه ای و دو گانه کتبی- نوشتاری. در ارتباط با مهارت های استدلال تاریخی، هفت اصل مشخص شده اند: لزوم احراز مقام بیان، اصل تقیید، مسئله شناسی، لزوم احراز مراد جدی، عدم التزام اصطلاح به معنای لغوی، مهارت طبقه بندی و بالاخره، گونه شناسی روایات تفسیری. تحلیل انعکاسی، ایده جدیدی است که در قسمت سوم کتاب مطرح شده و بر سطح دوم استدلال و دلالت های فرامقام بیان استوار است. بر این اساس نه تنها متن به تنهایی فضای اطراف خودش را روشن می کند؛ بلکه نوع واکنش به متن از سوی مخاطبان می تواند به فهم متن کمک کند. قاعده تقابل، برهان سکوت و تاریخ گذاری، نمونه نتایج مبتنی بر این تحلیل اند. روش تحلیل انعکاسی در پژوهش ما به صورت مشخص در دو اصل مسئلگی و تواتر انعکاسی نمود پیدا کرده است. استقراء ناقص، شیوه ای از استدلال معیوب است که مبتنی بر نوعی مسئلگی شکل گرفته است؛ چنانچه قاعده تقابل، نتیجه طلایی و پرثمر تحلیل انعکاسی است. تواتر انعکاسی، به صورت تواتر انعکاسی صدوری و نقلی امکان ظهور دارد.

واژگان کلیدی:

حدیث، الهیات تاریخی، زبان شناسی تاریخی، مسئلگی، استدلال تاریخی، مقام بیان، مقام استدلال، سطح دوم استدلال، تحلیل انعکاسی

فهرست



۲۱		دیباچه
۲۹		مقدمه

فصل اول: حدیث؛ انتقال ساختارمند/۴۳

۰- مفهوم شناسی انتقادی حدیث ۴۵

۴۶		الف- قصدماندگاری
۴۹		ب- فرآیند بودن
۵۱		ج- جایگاه مخاطب
۵۱		۱- مرحله صدور
۵۲		۲- مرحله تلقی

۱- اصل اول: تمایز حدیث از فقه ۵۷

۵۷		الف- تمایز تاریخی
۵۸		تعریف حدیث
۵۹		نگاشته‌های حدیثی
۶۰		رخدادهای حدیثی
۶۲		ب- تمایز در روش
۶۳		تمایز علوم حقیقی و اعتباری
۶۵		تمایز در قواعد و اصول
۶۶		تمایز در استناد



ج- تمایز در رویکرد (انسداد-انتفاح) ----- ۶۷

د- تمایز ارزش گذاری ----- ۶۹

حجیت ----- ۶۹

صحت و ضعف ----- ۷۴

۲- اصل دوم: رابطه متممی نقل شفاهی نسبت به نقل نوشتاری ۷۵

اصلت نقل شفاهی ----- ۷۶

تمایز سطوح مختلف متن ----- ۸۱

۳- اصل سوم: تمایز ارزش گذاری از نقل ۸۳

محوریت سند ----- ۸۳

مفهوم تمایز ارزش گذاری از نقل ----- ۸۶

۴- اصل چهارم: لزوم تحلیل جعل در ساختار ۸۹

مغالطه تلازم «جعل» و «نقل شفاهی» ----- ۹۲

مغالطه تلازم «ضعف» و «جعل» ----- ۹۵

رویکرد حذفی ----- ۹۷

۵- اصل پنجم: ماهیت استغراقی- واسطه‌ای کتاب ۱۰۱

الف- ماهیت استغراقی ----- ۱۰۳

شرح نویسی ----- ۱۰۶

انعکاس اعتقاد ----- ۱۰۷

مخاطب خاص ----- ۱۰۹

ب- ماهیت واسطه‌ای ----- ۱۱۳

تمایز نگاه میراثی و تمدنی ----- ۱۱۴

شخصیت مولف ----- ۱۱۶

از بین رفتن آثار ----- ۱۱۷

تفاوت ساختار ----- ۱۱۹

۶- ساختار و مسئله احیاء کتاب‌های نخستین ۱۲۵

نتیجه فصل اول ----- ۱۳۳



فصل دوم: حدیث و اصول تاریخی استدلال/ ۱۳۵

۱- مفهوم استدلال تاریخی ۱۳۷

مقام بیان	۱۴۱
فرامقام بیان	۱۴۳
مقام استدلال	۱۴۵
تعمیم	۱۴۵

۲- اصل ششم: لزوم احراز مقام بیان ۱۴۷

الف- تفکیک برداشت توسعه‌ای از تاریخی	۱۴۷
ب- تحلیل ذهنی و تاریخی	۱۵۱

۳- اصل هفتم: اصل تقييد ۱۵۵

مغالطه تعمیم مقام بیان	۱۵۷
مغالطه جابجایی مقام بیان	۱۶۲

۴- اصل هشتم: مسئله شناسی ۱۶۵

مسئله شناسی تاریخی	۱۶۷
مغالطه خلط مقام استدلال واقعی و ادعایی	۱۶۹
مغالطه عدم تمایز سنت از حدیث	۱۷۰
مغالطه عدم تفکیک متن رسمی از غیررسمی	۱۷۴
مغالطه تلازم علم و کتابت	۱۷۷

۵- اصل نهم: لزوم احراز مراد جدی ۱۸۳

الف- ارادی بودن استعمال	۱۸۵
دقت معنایی	۱۹۰
سیاق گفتاری	۱۹۳
معنای طیفی	۱۹۶
زبان خاص	۱۹۷
ب- فاصله خوانش و استعمال	۱۹۹
اصل تغایر	۱۹۹
اصل زمینه متن	۲۰۰
ج- از گوهر معنا تا تجرید از معنا	۲۰۳



۶- اصل دهم: عدم التزام اصطلاح به معنای لغوی ۲۰۷

۲۱۱	الف- مغالطه بدیهی انگاری
۲۱۵	ب- مغالطه استصحاب تاریخی
۲۱۷	اصطلاح حدیث
۲۱۹	اصطلاح تفسیر
۲۲۲	اصطلاح اعجاز
۲۲۳	اصطلاح قرآن
۲۲۳	اصطلاح جامع حدیثی
۲۲۵	ج- تغییر انگاره
۲۲۷	بررسی کارکرد و واکنش
۲۲۸	دریافت بی معنایی
۲۲۹	ایجاد تغییر در لحن کلام
۲۳۳	تغییر طبقه بندی
۲۳۴	معادل سازی واژگان

۷- اصل یازدهم: مهارت طبقه بندی ۲۳۵

۲۳۷	الف- انواع کلی طبقه بندی
۲۳۷	طبقه بندی موضوعی
۲۳۹	طبقه بندی دوره ای
۲۴۱	طبقه بندی شیعه- اهل سنت
۲۴۶	زمان غالبی صدور
۲۴۶	موضع گیری های فقهی کلامی
۲۴۸	تمایزهای خود ساخته
۲۴۹	ب- اثبات هم نشینی
۲۵۱	هم نشینی قرآن و حدیث
۲۵۲	هم نشینی قرآن و کتاب مقدس
۲۵۴	هم نشینی حدیث و غیرآن
۲۵۴	هم نشینی عقلی و نقلی



۸- اصل دوازدهم: گونه شناسی روایات تفسیری ۲۶۳

- الف- کاربست ثانوی جملات ۲۶۴
 ب- از تفسیر تا ارتباط معنایی ۲۶۵
 ج- لزوم تبیین رابطه صدر و ذیل روایت ۲۶۸
 نتیجه فصل دوم ۲۷۱

فصل سوم: حدیث و تحلیل انعکاسی ۲۷۳/

۱- مفهوم تحلیل تاریخی ۲۷۵

- انتخاب متغیر ۲۷۶
 نسبت تأثیر متغیر ۲۷۹
 نقطه عطف ۲۸۱
 سده چهارم ۲۸۲
 حمله مغول ۲۸۳
 جنگ های صلیبی ۲۸۵
 تحلیل واکنشی ۲۸۵

۲- سطح دوم و تحلیل انعکاسی ۲۸۹

- ویژگی استدلال سطح دوم ۲۹۷
 قوت استدلال ۲۹۸
 کارآمدی در گزارش های جعلی ۳۰۰
 مغالطه ارزش زدایی از گزارش تاریخی ۳۰۱

۳- اصل سیزدهم: مسئلگی ۳۰۳

- عوامل موثر بر مسئلگی ۳۰۸
 سوال ۳۰۸
 توصیف ۳۱۰
 توصیه ۳۱۳
 نقد ۳۱۴
 تأکید ۳۱۵
 ضعف استدلال «سطح اول» باتوجه به سطح مسئلگی ۳۱۶
 تمام نما نبودن خبر واحد ۳۱۷



۳۲۰	التقاط
۳۲۲	شبکه معادله‌ای حصول معرفت
۳۲۵	نسبی‌بودن تلقی مخاطب
۳۲۸	امکان مسئله‌سازی

۴- اثبات مسئلگی ۳۳۱

۳۳۴	عوامل مسئله‌سازی
۳۳۶	استقراء ناقص
۳۳۹	تحلیل کمی
۳۴۱	عنوان‌گذاری

۵- اصل چهاردهم: تواتر انعکاسی ۳۴۳

۳۴۵	کاربرد تواتر انعکاسی
۳۴۷	قاعده سکوت
۳۴۹	قاعده تقابل
۳۵۳	پیش‌فرض‌های تاریخی
۳۵۷	تواتر انعکاسی صدوری
۳۵۸	تواتر معکوس
۳۵۹	تواتر فضای متن

۶- تواتر انعکاسی نقلی ۳۶۳

۳۶۵	الف - حافظه تاریخی
۳۶۶	معارف غیر تمدنی
۳۶۷	معارف نوین
۳۶۹	معارف تمدنی
۳۷۲	جایگاه جملات در معارف تمدنی
۳۷۴	جملات منتقله
۳۷۶	جملات نشان‌دار
۳۷۸	مفهوم وثاقت حدیث در معارف تمدنی
۳۷۹	ب- ساختار پیوسته
۳۸۱	اقتباس و شرح نگاری
۳۸۵	ماهیت رسانه‌ای تفسیر



نتیجه گیری نهایی / ۳۹۱

F۰۵	فهرست منابع
F۱۳	الملخص (چکیده عربی)
F۱۵	پیوست ها
F۱۵	آیات تاریخی قرآن کریم
F۱۷	نمودار ادوار تاریخی ۱
F۱۸	نمودار ادوار تاریخی ۲
F۱۹	نماینه آیات قرآن کریم
F۲۱	نماینه روایات
F۲۳	نماینه اصطلاحات

بخش لاتین کتاب (English Section) / ۴۶۴-۴۲۴

F۵۴	Table of Contents
F۵۶	Abstract
F۵۲	Hadith Studies and Historical Philology
F۲۶	Subject Index

دیباچه



خرسندم که کتاب حاضر، با توفیق الهی و با انرژی منبعث از اثر پیشین^(۱) و با دغدغه الهیات تاریخی، مجالی را فراهم ساخته تا به واکاوی این حوزه پردازد و در عین حال، پدیدآور فضاهایی جدید و نو باشد. بی تردید، بخشی از توسعه نیافتگی ما معلول نوع نگاه به علوم انسانی است. این نگاه ناقص، احیاناً به نوعی رهاشدگی علوم انسانی از منطق و روش مندی، منجر شده است. در واقع در عین اصرار بر لزوم توجه به جایگاه علوم انسانی، باید از ارتباط آن با منطق و ریاضی، سخن گفت.

در الهیات و از جمله الهیات تاریخی - به عنوان بخش مهمی از علوم انسانی - با «متن»، به عنوان یک موضوع^(۲) مهم و کلیدی، مواجه هستیم. اما چرا ما این قدر روی متن به عنوان موضوع، تأکید می‌کنیم؟ چرا تمرکز تلاش‌های ما در علوم قرآن و حدیث، متن (اعم از فهم و اصالت آن) را نشانه رفته است؟ شاید ادعا شود که رویکرد تاریخی و اجتماعی، بهتر می‌توانست ورود به عرصه معرفت

۱ با عنوان «روش‌شناسی تاریخی در علوم قرآن و حدیث» با تقریظ مرحوم استاد آئینه‌وند، چهره ماندگار تاریخ و تداعی بخش «اطلبوا العلم و تزیّنوا معه بالحلم والوقار» که مرا در این (به تعبیر استاد) «میدان‌های نو» توان داد و مقدمه ارزشمند پرفسور نویورت، قرآن پژوه شهیر آلمانی که اسلام را میراثی عظیم برای مغرب زمین می‌خواند.

۲ موضوع یا ابژه (Objet)، یک اصطلاح در فلسفه نوین است که معمولاً در برابر سوژه به کار برده می‌شود. سوژه مشاهده‌کننده و آویژه آنچه است که مشاهده می‌گردد.



دینی را هموارتر کند. اما واقعیت این است که رویکرد متداول در مواجهه با متن در الهیات تاریخی اسلامی، اگرچه جاده‌ای است بی مقصد و شاید هم بن بست؛ اما قابل اصلاح است. امروز خوشحالم که کتاب حاضر را - که به چنین راه حلی اندیشیده است - تقدیم همه اندیشوران این عرصه کنم. نظریه مسئله‌گی و تواتر مطرح شده در کتاب، قبل از آن که ناظر به زبان‌شناسی باشد؛ یک ابزار مهم تحلیل اجتماعی است.

به طور کلی، تحلیل یک اندیشه بر اساس متن منقول در ضمن یک اثر حدیثی - به عنوان یک جریان غالب در فضای پژوهش‌های دینی - با دو مشکل اساسی روبروست:

۱. نوع و روش فهم از متن و استناد به آن

تحلیل یک اندیشه و انگاره بدون زبان‌شناسی متن عملاً ممکن نیست. برای این اساس، همواره به این می‌اندیشم که هنوز مسیر مطالعه در علوم انسانی متن محور، روش‌مند نیست و آن چه در «منطق و روش‌شناسی» می‌خوانیم؛ عملاً در کار مواجهه با متن به کار گرفته نمی‌شود.^(۱) اولین مواجهه‌های من با دروس دانشگاهی، درس علوم قرآن و کتاب «القرآن الکریم و روایات المدرستین» اثر علامه عسکری^(۲) بود. وی در مواجهه با هزار روایت موهم تحریف، این تعبیر لطیف را به کار برده بود که: «کوه را درد زایمان گرفت پس آنگاه موشی زائید! و همینطور، بررسی روایات تحریف در این کتاب، نتیجه اش، ۱۰۶۲ رقم صفر بود!»^(۳) این دقیقاً همان قدم اولی بود که می‌توانست سالها بعد و در قالب کتاب حاضر، انگیزه مرا قوت بخشد. اینکه یک «استدلال» مبتنی بر هزار دلیل! نقلی، بتواند به «لا استدلال» تبدیل شود؛ مهمترین نتیجه‌اش، لزوم واکاوی همه استدلال‌ها بود و این که چه بسا اهمیت نوع تلقی از متن، حتی از واکاوی اصالت متن هم مهم‌تر باشد.

۱ در این میان، باید حساب علم فقه را که مویده به علم تنومند اصول فقه است؛ از بقیه جدا کرد.

۲ عسکری، سید مرتضی، پیشین، ج ۳، ص ۸۴۷.



نتیجه عدم توجه به زبان شناسی، آن خواهد بود که مثلاً انگاره تحریف بر اساس پاره‌ای روایات تحریف‌نما مطرح شود؛ حال آن‌که مواردی مانند «خلط تحریف مصطلح با تحریف معنوی»، «خلط تحریف با اختلاف قرائت» و «خلط تحریف با تفسیر، تاویل و جری و تطبیق»^(۱)، از مهمترین آسیب شناسی‌های انجام شده در مورد این روایات است و البته همه آن‌ها به همان «روش تلقی از متن» برمی‌گردد و باز نتیجه عدم توجه به زبان‌شناسی، وجود انبوهی از اعتقادسازی‌ها نسبت به برخی جریان‌های کلامی تاریخی است. با استناد به یک گزارش، جریانی را موافق یا منکر عقل معرفی می‌کنند یا جریانی دیگر را معتقد یا غیر معتقد به علم غیب و عصمت امام تحلیل می‌کنند و ... روند رو به تزاید این سردرگمی، در عصر حاضر با موج تکفیرهای گسترده مواجه شده است که بلای جوامع امروزمین است.

این مسئله یکی از آسیب‌های جدی برخی پژوهش‌های میان رشته‌ای مرتبط با قرآن و حدیث نیز هست؛ به گونه‌ای که محقق، صرفاً با تمرکز بر آن دسته از متون و واژگان قرآنی و حدیثی - که خود بر اساس برخی معیارهای ظاهری، پیوندی میان آن‌ها و رشته دیگر (مثلاً مدیریت یا زمین شناسی یا ریاضیات و ...) یافته است - اقدام به تحلیل می‌کند. مثلاً تصور کنید که برای تحقیق در مورد رابطه قرآن و زمین شناسی، هر آن چه از واژه «الأرض» در قرآن و حدیث است را ملاک خود در شناخت این رابطه سنجی بداند!

۲. نوع رابطه متن و باور

میزان بازنمایی روایت منقول از اعتقاد مولف، قبل از هر استدلالی باید بازبینی شود. این مسئله که وجود روایت، ضرورتاً ملازم با پذیرش اعتقاد خاصی برای ناقل آن است؛ به نظر می‌رسد به مغالطه نزدیک باشد؛ حال آن‌که پیش فرض بسیاری از پژوهش‌هاست. علت فرو افتادن در ورطه چنین مغالطه‌ای آن است که در عصر ما معمولاً متن، حاکی از اعتقاد مولف است مگر به خلاف آن تصریح

۱ احمدی، «محدثان شیعه و آسیب شناسی روایات تحریف قرآن»، شیعه شناسی، زمستان ۸۵.



شود. حال آن که شاکله اصلی حدیث در رویکرد تاریخی، «نقل» است.^(۱) مثلاً - در رویکرد غالب- تحلیل باور جامعان حدیثی و تصور نوعی رابطه خاص بین آن‌ها، بیشتر از هرچیز بر اساس محتوای روایاتی که ایشان ناقل آن بوده‌اند؛ شکل گرفته است یا این که اعتقاد و عدم اعتقاد یک مولف متقدم نسبت به یک موضوع کلامی، غالباً بر اساس نوع روایاتی که وی ناقل آن بوده است؛ صورت می‌گیرد. بر همین اساس است که بسیاری از بحث‌های دیرینه شناسی کلامی بدون توجه به این مسئله، نتایج غیر قابل پذیرشی را به دنبال خواهد آورد. از این رو- با تأکید بر حدیث در دوره متقدم- نبود یک روایت دال بر یک موضوع خاص، ضرورتاً نمی‌تواند به معنای عدم وجود موضوع باشد؛ چنانچه وجود یک روایت، ضرورتاً نمی‌تواند منعکس کننده اعتقاد مولف کتاب به محتوای آن باشد. البته داستان رابطه «متن» و «باور»، به همین جا ختم نمی‌شود. قصه پر غصه این ماجرا، رویه دیگری نیز دارد که مخاطب محترم را تا پرداختن به آن در مواضع مختلفی از کتاب در فصل دوم و سوم، در انتظار نگاه می‌دارم.

کتاب حاضر، در مقام مواجهه با مشکل طرح شده، به صورتی روش‌مند و منطقی، «اصول تاریخی» در مطالعات حدیثی و به‌طور ضمنی نیز «مغالطه‌های» احتمالی را مورد بررسی قرار داده است و در سه فصل تنظیم شده است. در فصل اول (حدیث؛ انتقال ساختارمند) تلاش بر این است تا نگاه به حدیث، به سطح جامع‌تری ارتقا یابد. این نگاه از سویی از تقلیل حدیث به حوزه فقه و از سویی از انحصار آن در سطح یک مفهوم انتزاعی، به قوت انتقاد می‌کند. این پالایش ذهنی نسبت به حدیث، در ادامه به تبیین ویژگی‌های الگوی جایگزین یعنی ساختار حدیثی - به جای مفهوم حدیث- می‌پردازد. مبتنی بر این نگاه، مفاهیم حدیثی، نیاز به واکاوی دوباره پیدا می‌کنند و به عنوان نمونه مفهوم «جعل»، در همین فصل، در تقریری جدید، سامان می‌یابد. در تقریری دیگر، مفهوم «کتاب»

۱ در ساختار امروزی به قدری ارتباط متن با اعتقاد قوی است که به سختی می‌توان - حتی در مواردی که ناقل به هویت ناقل بودن خود تصریح دارد- وی را از اعتقاد مبتنی بر متن، جدا کرد. از این رو در برخی موارد، افراد و نوشته‌ها و گفتار هاشان بیشتر به اعلام موضع و بیانیه شبیه است تا بیان یک مطلب علمی.



به عنوان رکن اصلی مباحث تاریخ حدیث، تحلیلی جدید پیدا می‌کند و شاخصه اصلی آن در ضمن دو قید «استغراقی بودن» و «واسطه‌ای بودن»، تبیین می‌گردد. در **فصل دوم (حدیث و اصول تاریخی استدلال)**، تلاش شده است تا در درجه اول، فرآیند استدلال تاریخی در مباحث تاریخ حدیث، نمایان شود. این‌که بدانیم در طرح مباحث تاریخ حدیث، «در حال استدلالیم»؛ اما احیاناً «از فرآیند این استدلال، غافلیم»؛ تاکید اول این فصل است. قطعاً و پس از پذیرش تحقق استدلال تاریخی و مفهوم شناسی آن، نوبت به قواعد و اصول این استدلال می‌رسد؛ چرا که پرواضح است که هیچ استدلالی نمی‌تواند بدون ضابطه باشد. عدم توجه به ضابطه و اصول استدلال، در بهترین حالت، موجب سردرگمی و تکثر و نوعی التقاط و در بدترین شکل آن، موجب بروز انواع مغالطاتی می‌گردد که بیش از کمک به حل مسئله، به انباشت شبهات منجر می‌شود.

این فصل، روش مندی استدلال تاریخی در مطالعات حدیثی را تقریر می‌کند و به صورت مشخص، استدلال‌های تاریخی در حوزه مطالعات حدیثی را واکاوی، تبیین و ضابطه‌مند می‌کند. در تلاش برای قاعده‌مند سازی ضوابط یک استدلال تاریخ - با تاکید بر تاریخ حدیث - هفت اصل، استقضا شده‌اند. این اصول عبارتند از:

اصل ششم: لزوم احراز مقام بیان؛ **اصل هفتم:** اصل تقييد؛ **اصل هشتم:** مسئله شناسی؛ **اصل نهم:** لزوم احراز مراد جدی؛ **اصل دهم:** عدم التزام اصطلاح به معنای لغوی، **اصل یازدهم:** مهارت طبقه‌بندی و بالاخره **اصل دوازدهم:** گونه‌شناسی روایات تفسیری.

در **فصل سوم و آخرین فصل**، به موضوع جدیدی با عنوان «**حدیث و تحلیل انعکاسی**» پرداخته می‌شود. این فصل بر اساس رویکردی متفاوت و در فضای جدیدی از استدلال به نام «**استدلال‌های سطح دوم**» و باتوجه به آسیب محوریّت خبر واحد در تحلیل تاریخ حدیث



و انحصار استدلال‌های آن بر سطح اول، شکل گرفته است. در این فصل موارد زیر به ترتیب، بحث خواهد شد: مفهوم تحلیل تاریخی، سطح دوم و فضای انعکاسی، اصل مسئلگی، اثبات مسئلگی، اصل تواتر انعکاسی و بالاخره تواتر انعکاسی نقلی.

بالاخره این کتاب، اصول لازم در تحلیل تاریخی در حوزه حدیث را در قالب ۱۴ اصل (فصل ۴: ۵ اصل، فصل دوم: ۷ اصل و فصل سوم: ۲ اصل) مورد بررسی قرار می‌دهد و تأسیس این اصول را به عنوان گامی اساسی در جهت بومی سازی زبان‌شناسی تاریخی در حوزه تاریخ حدیث و شفافیت بخشی هرچه بیشتر به استدلال‌های تاریخی این حوزه دنبال می‌کند. بر این اساس، اصل اول تا اصل پنجم که مربوط به ساختار حدیثی‌اند؛ در فصل اول مطرح شده‌اند. در ادامه‌ی اصول تقریر شده در کتاب، اصل ششم تا اصل دوازدهم که مربوط به اصول تاریخی در مواجهه با متن حدیث‌اند؛ در فصل دوم، قرار دارد و بالاخره در ادامه، اصل سیزدهم و چهاردهم در فصل سوم، قرار گرفته‌اند.

و اما نکته‌ای ویژه برای مخاطب عزیز کتاب:

تا توانسته‌ام کتاب را از حشو و زوائد و تطویل مصون داشته‌ام. چه مطالب تفصیلی که مخاطب مطلع را- تنها- با اشاره‌ای به آن رهنمون کرده‌ام و چه محتواهایی که به دلیل این‌که مرز دانش، فرسنگ‌ها از آن‌ها جلو افتاده، به آن نپرداخته‌ام. از آن چه خواننده می‌توانسته با مراجعه به فضای مجازی یا سایر منابع، به آسانی به آن دست یابد؛ گذشته‌ام و صرفاً با تأکید بر موضع حاجت از یک گزارش، از نقل روایات و گزارش‌های تاریخی طولانی پرهیز داشته‌ام. بی‌گمان اگر این مهار و نگرانی اتلاف وقت خوانندگان و اسراف کاغذ نبود؛ صفحات این کتاب، بسیار بسیار بیشتر از آن‌چه هست؛ می‌بود. اما مطمئنم این رویکرد مختار، اعتماد خواننده را از ابتدا تا انتهای متن کتاب، ثابت نگاه



می‌دارد. در روزگاری که کتاب‌سازی و مطالب حشو و تکراری، بلای علم و صنعت نشر شده است و اعتماد مخاطب را به کتاب فروکاسته است و در روزگاری که خروجی برخی تالیفات - در بهترین حالت - چیزی جز اسراف کاغذ و وقت خواننده نیست؛ خوشحالم که به مخاطب این کتاب اطمینان دهم که از مطالعه این کتاب، احساس نشاطی وافر کند؛ چه آن‌که پیوسته خوشحالی و رضایت مخاطبان را از مطالعه اثر پیشین، همواره و در خلال اظهار نظرهای محبت‌آمیزشان، با تمام وجود حس کرده‌ام.

از خواننده محترم می‌خواهم که در مطالعه این کتاب، صبوری کند؛ کتاب را فقط به تورق از نظر نگذراند و تنها در ویرین فهرست مطالب، دیباچه و مقدمه، دورنمای ابتدا و نتیجه انتهای هر فصل و نتیجه نهایی کتاب، باقی‌نماند؛ چه آن‌که یکان یکان واژگان این اثر، محصول ساعت‌ها تجزیه و تحلیل و تدریس و تحقیق است. مطمئنم که همراهی معقول و منطقی با متن کتاب می‌تواند بستر افق‌های جدیدتری باشد که فضای مطالعات قرآن و حدیث ما - امروزه - به شدت بدان نیازمند است. امیدوارم مطالعه کتاب پیش رو - مخصوصاً برای ذهن مخاطبان پرهیجان این عرصه - درخور افتد و این تلاش، بتواند بخشی از ملالت‌های رسوب شده این حوزه را بکاهد و آن را از تعصب‌های علمی بی‌منطق برهاند...

حرف برای گفتن بسیار است... می‌خواهم ادامه دهم... اما باشد تا فرصتی دیگر... در فضایی متحول‌تر... و با هوایی تازه‌تر...

سحر بآباد می‌گفتم حدیث آرزومندی خطاب آمد که واقع شو به الطاف خداوندی

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز و رای حد تقریر است شرح آرزومندی

دانشگاه تهران - محمد حسن احمدی